

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و دوم
اردیبهشت ۱۴۰۰ شماره ۲۵۴

نگرش غیر سیاسی و کینه‌توزانه، ابزاری برای توجیه خیانت ملی

حزب کار ایران (توفان) در بیانیه‌ای که در همان زمان در برخورد به این سند و روش دولت ایران درباره آن منتشر کرد، خطوط اساسی تحلیل خویش را بیان داشت و با امضاء جدیدی که به زیر این برنامه گذارده شده است، در نظریات گذشته حزب ما، که از منافع میهن ما حرکت می‌کند و نه از منافع آمریکا و اسرائیل؛ تغییری ایجاد نکرده است. مخالفت ما با جمهوری سرمایه‌داری اسلامی و خواست براندازی این رژیم برای حزب ما آن موانعی نیستند تا کور شویم و بر مصالح آتی و منافع ملی درازمدت ایران، که بعد از جمهوری میرنده اسلامی نیز باقی می‌ماند و ماندگار هستند، چشم ببوشیم. در بررسی ماهیت این قرارداد، رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تنها یک مولفه آن را تشکیل می‌دهد که در تحلیل باید همه‌جانبه و نه یک‌طرفه و ذهنی مورد بررسی قرار گیرد، ولی ماهیت کلیت این قرارداد، سود و زیان آن را نمی‌شود فقط با سرنوشت و وجود جمهوری سرمایه‌داری اسلامی، که معلوم نیست تا چه زمانی در ایران بر سر کار است، گره زد. **ادامه در صفحه ۲**

هیاهو از غم از دست رفتن منافع

هنوز قراردادی به صورت بندهای مشخص با جمهوری توده‌ای چین به امضاء نرسیده است. آنچه به امضاء رسیده تنها یک موافقت‌نامه با خطوط کلی برای یک همکاری ۲۵ ساله با ایران است. نه بیش‌تر و نه کم‌تر. آنچه که در توافق اخیر مشهود است، این است که ایران و چین یک گام دیگر برای همکاری به هم نزدیک‌تر شده‌اند و مذاکرات کنونی نشانی از تصمیمات نهائی برای یک همکاری ۲۵ ساله دارد. این قرارداد باید به صورت هر قراردادی، که با هر کشوری منعقد می‌گردد، شامل نکاتی باشد که به صورت مشخص تعریف و تعیین گردیده و اجرائی شوند و باید بر سر بند این قراردادهای اجرائی بحث و تبادل نظر گردد. تمام این قراردادهای مشخص بر مبنای آن خطوط کلی، که در تفاهم‌نامه بدوی از آنها یاد شده، تدوین خواهند شد. اساس آن بر مبنای سیاست بُرد-بُرد استوار است. توافق بر سر سیاست بُرد-بُرد، که باید مبنای قابل اعتمادی برای قرارداد باشد، به این مفهوم است که طرفین سود متقابل را برای خود به رسمیت می‌شناسند و **ادامه در صفحه ۵**

محرمانه‌بودن قرارداد

مخالفان، که اساساً مخالف هرگونه سرمایه‌گذاری و قراردادی با ایران هستند، مگر اینکه منافع امپریالیست‌های غرب را در نظر داشته باشد، محرمانه بودن قرارداد اخیر را بهانه می‌کنند و داد سخن می‌دهند که البته این اعتراض بخشاً نادرست نیست، ولی همه‌جانبه هم نمی‌باشد. نمی‌توان مسایلی را مطرح نمود که به مردم چنین القا نماید که باید همه نکات و تبصره‌های قرارداد را علنی کرد و به بحث عموم گذارد تا اولاً آمریکا خوشحال شود و ثانیاً بحث «دموکراتیک» درباره مضمون قرارداد توسط همه مردم ایران آنچنان به درازا بیانجامد که جاده ابریشم هیچوقت ساخته نشود. مضحک‌تر از همه وضع «کمونیست‌های تازه به دوران رسیده» است که با استناد به «کارل مارکس» در مورد انتقاد به «دیپلماسی سری» و محرمانه خواهان حمایت از تبلیغات و سیاست‌های آمریکا در ایران هستند. چنین «دموکراسی» کاذبی را، که در هیچ کجای دنیا وجود ندارد و در آینده نیز وجود نخواهد داشت، آمریکا و اسرائیل و کمونیست‌های کاذب برای ایران توصیه می‌کنند. **ادامه در صفحه ۴**

مخالفت با حراج ایران و فروش میهن ما به غرب در دوران پهلوی و یا «غرب ستیزی»

تعداد قراردادهای اسارت‌بار ایران در زمان رژیم سرسپرده پهلوی بی‌شمار است. به علت خفقان حاکم در ایران مطبوعات حق نداشتند در این زمینه به انتشار اخبار دست زنند. مجلس فرمایشی ایران در مورد این قراردادهای اسارت‌آور و ایران‌فروش سخنی نمی‌گفتند. دانستن مضمون این قراردادها برای مردم ایران حرام بود. ما به یک نمونه آن، که مربوط به ساختمان «سد دز» در ایران در زمان شاه است، اشاره می‌کنیم تا روشن شود که اقدامات ترقی‌خواهانه اعلیحضرت در کشور کم‌آبی نظیر ایران، در خدمت مطامع و منافع امپریالیست‌های غرب و بدون نظارت و دخالت و توجه به نیازهای مردم ایران انجام می‌گرفت: «خصلت نواستعماری این طرح زمانی کاملاً روشن می‌شود که به زمین‌های زیر کشت این سد توجه شود. تمام این زمین‌ها در دست شرکت‌های امپریالیستی می‌باشد تا آن جایی که برای ما مقدور بود قسمتی از این شرکت‌ها را از لایبای روزنامه‌ها بیرون کشیدیم. چند شرکت آمریکائی با مشارکت شخصی به نام «هاشم نراقی» ۲۰ هزار هکتار شرکت آمریکائی شل اند میچل کاستی ۱۵ هزار هکتار **ادامه در صفحه ۳**

برخورد اصولی و واقع‌بینانه به قرارداد همکاری ۲۵ ساله ایران و چین

پیش‌نویس تفاهم‌نامه‌ای که چندی قبل تحت عنوان «برنامه همکاری‌های جامع (۲۵) ساله ایران و چین» منتشر شده بود و موجب بحث‌های فراوانی گشت، اخیراً در ۷ فروردین ۱۴۰۰ برابر ۲۷ مارس سال ۲۰۲۱ در تهران، با دیدار وزیر امور خارجه چین با وزیر امور خارجه ایران خطوط کلی این تفاهم‌نامه به صورت قراردادی با ایران به امضاء رسید که جزئیات آن هنوز معلوم نیست. پرسش نخست این است که چرا چنین سند حیاتی مهمی تنها به امضاء وزیر امور خارجه دو کشور رسیده است و نه مقامات مهم‌تری در میان دو کشور ایران و چین. پاسخ احتمالی، که به این امر می‌شود داد، این است که حساسگری خاصی در اتخاذ این نوع راهکار از جانب هر دو طرف قرارداد منظور نظر است. این قرارداد مسلماً موجبات نگرانی آمریکا و اروپا را فراهم کرده و آنها را برای اتخاذ تصمیم در مورد ادامه تحریم ایران و یکدندگی بر سر تحریم‌های برجانی به عقب‌نشینی واکا خواهد داشت. این عقب‌نشینی هم به نفع ایران و هم به نفع چین است که از تهدیدهای آمریکا در امان باشند. برداشتن موانع از سر راه تجارت با ایران و آزادسازی مبادلات ارزی ایران زمینه همکاری با چین را افزایش می‌دهد. سیاست زورگویانه و غیرقانونی بیکران آمریکا در مورد ایران با انتشار مفاد کلی این قرارداد به بن‌بست رسیده و شکست خورده است. یا باید در مورد برجام عقب‌نشینی کند و یا اینکه به تهدیدها و قلدرمشی خود بیفزاید که در هر دو صورت به ضرر آمریکا و تشدید تضادهایش با اروپا و سایر ممالک بدل می‌شود. به این جهت ارزیابی **ادامه در صفحه ۲**

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیوندید

برخورد اصولی... دنباله از صفحه ۱

نهائی از این قرارداد را باید به آینده‌ای موكول كرد كه همه مدارك و يا حداقل بخش مهمی از آنها، كه برای يك تحليل جامع مورد نیاز است، در اختیار ما باشد. از این گذشته، چه نامی به این سند بدهیم، برای برخورد ما با محتوی این سند اهمیتی ندارد. ولی جا دارد كه به واقعیت‌ها نیز توجه نمود و به جنجال كسانی، كه نه قرارداد را خوانده و از مضمون آن اطلاعی دارند و نه ارزیابی درستی از توانائی‌های چین و ایران در این توافق می‌توانند داشته باشند، پاسخ داد. برخورد منتقدان پر سر و صدا به این قرارداد، كه با نفرت نژادپرستانه ضدچینی همراه است، بیان این امر است كه آنها با انعقاد هر قراردادی با چین «زردپوست» مخالف‌اند و ترجیح می‌دهند ایران به زیر بار اسارت غرب «سفیدپوست» برود، همانگونه كه در صد ساله اخیر رفته است. آنها ایران‌دوست نیستند، غرب‌گرا هستند.

آنها غرب‌گرا هستند، زیرا بر جنایات غرب در از بین بردن محیط‌زیست در طی دویست سال گذشته، كه می‌خواهند هزینه ترمیم‌اش را حتی از روسیه، چین، هندوستان و در آینده از ایران به بهای عقب‌ماندگی آنها بگیرند، چشم بسته‌اند. این كیسه‌های پلاستیکی چینی‌ها نیست كه در قعر اقیانوس‌ها نهنگ‌ها و آبزبان را می‌كشد و صحرای آفریقا را از خود مملو كرده به طوری كه به هر بوته‌ای در كشور سودان يك كیسه پلاستیکی مترو، لیدل و یا آلدی و... چسبیده است. این دست‌آورد‌های غرب «بشردوست» برای غارت جهان به حساب همه مردمان كره زمین است. غرب با كدام اجازه آب و هوای كره زمین را به ضرر ساكنان كره زمین تغییر داده و هنوز هم می‌دهد؟ غرب چگونه بدون هراس از مجازات، خاك‌رویه‌های خود را محرمانه توسط كنسرن‌های خصوصی خویش در اقیانوس‌ها تخلیه می‌كند؟ كدام قرارداد جهانی این حقوق ویژه را به غرب داده است؟ این چهره واقعی غرب است كه غرب‌پرستان آن را كتمان می‌كنند. این غرب‌پرستان با تحریم و تجاوز به ایران و انعقاد قراردادهای اسارت‌بار با غرب مخالف نیستند، زیرا یا نسبت به تاریخ ایران، كه آن را نیاموخته‌اند، بیگانه‌اند، یا قربانیان تبلیغات هولیوودی آمریکا شده و از روی جهالت سخن می‌رانند و یا عمال آگاه و یا در زمره دوستان آمریکا و اسرائیل در منطقه هستند كه عملاً فقط در پی اسارت ایران می‌باشند.

روشن است كه حزب ما با هرگونه قراردادی، كه استقلال ایران را به زیر پرسش ببرد، حق حاكمیت ملی و تمامیت ارضی و حقوق بین‌المللی قانونی ایران را به زیر پا بگذارد، آنگونه كه همه قراردادهای استعماری غرب با ایران بدون استثناء در صد سال اخیر بوده‌اند، اكیداً مخالف است.

ولی صرف‌نظر از این حكم کلی، به چندین مسئله اصولی، كه شامل همه قراردادهائی خواهد شد كه در ایران در صد ساله اخیر به امضاء رسیده‌اند، می‌توان و باید برخورد كرد تا سره از ناسره شناخته شود. باید مانع شد كه ایرانیان هوادار تحریم ایران، هوادار تجاوز آمریکا به ایران، هوادار تروریسم

دولتی آمریکا در ایران، تجزیه‌طلبان و مخالفان تمامیت ارضی و حق حاكمیت ملی ایران، هواداران تروریسم آمریکا و اسرائیل در ایران، یاران دیروزی و امروزی داعش و همه کسانی كه برای ایران به عنوان يك كشور مستقل عضو سازمان ملل متحد و با تاریخی بیش از ۲۵۰۰ سال قدمت، حقوقی قابل نبوده و نقض همه حقوق ایران را در مجامع جهانی به دست آمریکا و اسرائیل مورد تأیید بی‌شرمانه قرار می‌دهند، پرچم میهن‌پرستی به دست بگیرند و خودشان را در پشت گماشتگی امپریالیسم آمریکا و به بهانه تبهكاری‌های جمهوری اسلامی پنهان كنند. بارها گفته‌ایم؛ ایران ماندنی و جمهوری سرمایه‌داری اسلامی میرنده و رفتنی است. احترام به حقوق قانونی ایران در سراسر جهان حق مسلم كشور ماست و ربطی به وجود و حضور جمهوری سرمایه‌داری اسلامی، شیخ و یا شاه ندارد. همه كشورها موظف‌اند به این حقوق احترام گذارده و آن را به رسمیت بشناسند. خیانت به مردم سرزمین ایران را نمی‌شود با اشاره و تكيه به خفقان و خودكامگی رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی توجیه كرد. منافع ملی ایران مستقل از رژیم‌هائی است كه در ایران بر سركار بوده و یا در آینده بر سركار خواهند آمد. حقوق يك ملت را بر اساس ماهیت ارتجاعی دولت‌ها نمی‌سنجند. هر كس به این راه رود نه تنها دموكرات نیست، بلكه مرتجع سیاهی است كه باید ابناء بشر را از آنها برحذر داشت. این مرتجعان تنها همدستان امپریالیسم و صهیونیسم در جهان هستند.

حزب كار ایران (توفان) با این درك از دموكراسی، مبارزه ملی، منافع ملی، قانون‌مداری و دفاع از خلق ایران به این سند برخورد می‌كند و نوع برخوردش با نوع برخورد نژادپرستان، ضدآسیائی‌تبارها، ضدچینی‌ها و آدم‌خواران «میهن‌پرستی» كه اخیراً از بطری بیرون جهیده‌اند، ماهیتاً فرق دارد. حزب كار ایران (توفان) نفرت عمیق خود و طبقه كارگر و خلق ایران را از این نژادپرستان ایرانی ضد بشر، كه موافق تحریم آمریکا برضد ایران بوده و از تجاوز وی به ایران دفاع می‌كنند، ابراز می‌دارد و هشدار می‌دهد كه نگذاریم مبارزه ملی و دموكراتیك مردم ایران ملعبه دست سازمان‌های جاسوسی، امنیتی غرب و صهیونیسم بین‌الملل قرار گیرد. از صد سال تاریخ پر فراز و نشیب ایران بیاموزیم و نفرت خود را نسبت به استعمارگران نو و كهنه با صدای رسا ابراز داریم.*

نگرش غیر سیاسی... دنباله از صفحه ۱

كسی نمی‌داند در ۲۵ سال آینده این رژیم در ایران بر سر كار باشد یا خیر؛ ولی این قرارداد به قوت خود باقی خواهد ماند.

اتخاذ چنین سیاست و روشی یا از بی‌خبری ناشی می‌شود و یا از نفی این واقعیت كه دشمنان ایران در غرب و یا در منطقه آرزو دارند ایران به فن‌آوری مدرن دست پیدا نكند، در سراسر جهان به انزوا كشیده شود و مردم در اثر سیاست ضدبشری تحریم و محاصره اقتصادی گرسنگی بکشند،

نابود شوند. مهم اینكه در ساختمان جاده راهبردی ابریشم از شرق به غرب جهان، ایران اساساً نقشی نداشته باشد و این نقش به عربستان سعودی «دموكراتیك و ملی» و یا به روسیه واگذار گردد. باید بدانیم میهن‌پرستی افراد را با درجه نفرت آنها از جمهوری سرمایه‌داری اسلامی رقم نمی‌زند، كه امروز بهانه‌ای شده است تا همدستی با غرب را توجیه كنند. میهن‌پرستی افراد را بر این اساس تعیین می‌كنند كه با كدام واقع‌بینی انقلابی قادرند به يك ارزیابی واقع‌بینانه و بدون تعصب، در شرایط مشخص كنونی جهان در مورد قرارداد مشخص كنونی ایران و چین، ابراز نظر كنند. وگرنه کسانی كه افسارگسیخته خواهان تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران بودند، نقض حقوق مسلم ایران را در تمام عرصه‌های جهانی و از جمله در پیمان انرژی هسته‌ای تأیید می‌كردند، از نسل‌كشی ایرانیان تحت عنوان تحریم ایران پشتیبانی می‌نمودند، خواهان نقض تمام حقوق قانونی ایران در تمام مجامع بین‌المللی بودند و هستند، نمی‌توانند میهن‌پرست باشند. آنها كه از نقض حقوق ایران دفاع می‌كنند، خودشان در آینده نمی‌توانند به حقوق سایرین احترام بگذارند. كسی كه اصولیت‌اش گروهی و گزینشی باشد، نمی‌تواند حامی ارزش‌های جهان‌شمول گردد و مدافع اصولیت شود. اصولیت كاسبكارانه وجود ندارد. نقض حقوق كشورها، ملت‌ها، خلق‌ها و افراد را نمی‌توان مبتنی بر درجه دلخوری، غضب و خبث طینت و یا ماهیت حكومت این كشورها گردانید و آن را توجیه كرد و این روش بی‌منطق و عنادآلود را پسندیده و انقلابی نامید.

عده‌ای از این منتقدان از «بلندپروازی» ایران در مسئله هسته‌ای سخن می‌گویند كه گویا این امر تحریم ایران و غارت منابع و ثروت‌های ایران، تجزیه ایران و زورگویی به ایران را توجیه می‌كند. معلوم نیست به چه مناسبت دفاع از حق مسلم ایران در استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، آن هم به موجب قراردادهای جهانی و امضاء پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای «بلندپروازی» ایران محسوب می‌شود. مگر قرار است هر كشوری، كه از حقوق قانونی خود دفاع كرد، متهم به «بلندپروازی» شده و طعمه كركس آمریکا گردد! چقدر يك ایرانی باید احساس حقارت در مقابل آمریکا و اسرائیل كند كه حتی حاضر نباشد از حقوق كشورش به دفاع برخیزد. چقدر باید فرومایه بود كه تحقق خواست حقوق مسلم مردم ایران در مسئله هسته‌ای را با زبان تا به دندان مسلح اسرائیل با بمب‌های اتمی، تهدید امنیت منطقه جا زد و حضور پرمخاطره اسرائیل و آمریکا در منطقه را موجه جلوه داد. كدام بمب اتمی خطرناك‌تر است؟ بمب اتمی موهومی ایران و یا ۴۰۰ بمب اتمی واقعی اسرائیل متجاوز، اشغال‌گر، عامل تشنج در منطقه و مسبب قتل عام مردم فلسطین؟ در اواخر ماه مه ۲۰۱۲ رسانه‌های آمریکایی اعلام كردند كه ویروس «استاكس‌نت» (Stuxnet) كه برای خرابكاری در تأسیسات هسته‌ای ایران و نیروگاه هسته‌ای بوشهر ادامه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران

نگرش غیر سیاسی... دنباله از صفحه ۲

مستقیماً به دستور «اوباما»، رئیس‌جمهور وقت آمریکا طراحی، ساخته و راه اندازی و با هدف نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران ساخته شده است. گرچه در همان زمان احتمال این می‌رفت که آمریکا تنها عامل سازنده نباشد، لیکن در ۷ ژوئیه سال ۲۰۱۳ «ادوارد اسنودن» در مصاحبه‌ای با مجله اشپیگل اعلام کرد این بدافزار با همکاری مشترک آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل طی عملیاتی به نام عملیات بازی‌های المپیک ساخته شده و علیه ایران به کار رفته است. این اقدام آمریکا - اسرائیل یک اقدام سنت‌شکنانه و خطرناک برای بشریت است، زیرا به راحتی می‌تواند بدعت جدیدی برای خرابکاری بدون مجازات در زمان صلح بر ضد تأسیسات غیرنظامی و حیاتی ملت‌ها از این به بعد از هر جانب باشد. بی‌بی‌سی فارسی در تاریخ ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ برابر با ۲۷ فروردین ۱۳۹۰ تحت عنوان «اختلاف ایران و زمینس بر سر حمله استاکس‌نت» نوشت: «یک مقام ایرانی خواستار پیگیری حقوقی علیه شرکت آلمانی زمینس شده است که به گفته او در مورد حمله رایانه‌ای علیه تأسیسات اتمی ایران مسئول است. «غلامرضا جلالی»، رئیس سازمان پدافند غیر عامل ایران می‌گوید: «مسئولان فنی و اجرایی باید نسبت به نرم افزار اسکادای زمینس، که بستر فعالیت ویروس استاکس‌نت را فراهم کرده است، پیگیری حقوقی انجام دهند». نرم افزار اسکادا، ساخت شرکت زمینس، یکی از شناخته شده‌ترین سیستم‌های مدیریت صنعتی در جهان است که در تأسیسات صنعتی بزرگ و پیچیده و از جمله در تأسیسات اتمی ایران به کار گرفته می‌شود. اپوزیسیون ایران تمام این خرابکاری‌ها علیه منافع ملی ایران را نادیده می‌گیرد و خود را «انقلابی» و ضد جمهوری اسلامی جا می‌زند. اپوزیسیونی که چنین فکر می‌کند و این فکر آلوده را گسترش می‌دهد، بر ضد منافع ملی ایران و خلق‌های منطقه است. میهن‌پرستی در این است که با توجه به واقعیات مشخص کنونی بینیم چگونه می‌توانیم علی‌رغم وجود جمهوری منفور اسلامی و هیولاهای آدم‌خواری نظیر امپریالیسم و صهیونیسم، که ایران ما را محاصره کرده، نفت‌اش را در آب‌های بین‌المللی، چون دزدان دریائی، می‌دزدند، اموال‌اش را در تمام کشورها و بانک‌های خود علی‌رغم وجود تمام قراردادهای و هنجارهای بین‌المللی مصادره کرده‌اند، از فرصتی که با دورنمای تغییر و تحول مثبت در ایران به دست آمده است، استفاده کنیم تا از منافع کشورمان دفاع کنیم. نمی‌شود به کسانی متکی شد و استناد کرد که از تروریسم دولتی بین‌المللی علیه کشورهای مستقل جهان حمایت می‌کنند و متعهد به هیچ قرارداد و پیمانی در جهان نبوده و تنها زبان گلوله را می‌فهمند و منطقه را به آشوب کشیده و جهان را در خون مردم کشورها از افغانستان گرفته تا عراق، سوریه، یمن، فلسطین و لیبی غرق کرده‌اند و چشم طمع به ثروت ایران داشته و دارند تا ایران را مجدداً به دوران ننگین حکومت «محمد رضا پهلوی» کشانده به مظهر استعمار جمعی بدل کنند.

مخالفت با حراج... دنباله از صفحه ۱

عده‌ای دیگر از شرکت‌های آمریکائی ۱۸ هزار هکتار شرکت آمریکائی فرانسورله ۱۰ هزار هکتار یک شرکت یوگسلاوی ۱۰ هزار هکتار شرکت ژاپنی ۱۰ هزار هکتار ۸۳ هزار از ۱۰۰ هزار هکتار زیر کشت بنابر این دست شرکت‌های خارجی می‌باشد، البته این مقداری بود که ما توانستیم استخراج کنیم، حتماً ۱۷ هزار هکتار دیگر نیز در دست سرمایه‌داران خارجی دیگر می‌باشد (نقل از جزوه «گوشه‌ای از غارت خلق ایران» از انتشارات کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی - ۱۳۵۲ ص ۲۴).

حال به تبلیغات شاه ایران برای غارت و حراج ایران در مطبوعات خارجی توجه کنید:

در روزنامه لوموند (۱۰ - ۱۱ اکتبر ۱۹۷۱ این اعلان به چشم می‌خورد): عوامل زیرین باعث شده است که ایران کشور ایدآل سرمایه‌گذاری باشد:

«ثبات سیاسی، فراوانی و تنوع منابع طبیعی، کارگر ارزان، امکانات اعتباری در محل، امتیازات مالیاتی برای موسسات جدیدالتأسیس، معافیت گمرک در مورد مصالح صناعی که بنیادگذاری می‌شود، بازگشت کامل سرمایه‌ها و بهره‌ها».

در مورد این قراردادهای و یا اسناد فروش و حراج ایران به غرب و به «دنیای آزاد»، باید گفت قراردادی در کار نبوده و یا کاملاً مخفی بوده و یا اساساً خبر آن منتشر نشده است، ایرانیان خودفروخته در اینباره سکوت کرده‌اند و یا مخالفت میهن‌دوستان ایران با قراردادهای وطن‌فروشان را «غرب ستیزی» جامی‌زنند. حال آنکه ایرانیان میهن‌دوست غرب ستیز نیستند، دشمن غربی هستند که به ستیز ایران آمده است. ملت ایران هیچگاه از ماهیت و متون قراردادهای حراج ایران به غرب در عرض صد سال اخیر خبر نداشته است. در لابلای این قراردادهای قراردادی با چین توده‌ای منعقد نشده و وجود نداشته و ندارد. این کوه غارت، که به ارتقاء کیفیت زندگی آمریکائی منجر شده است، ناشی از خیانت هیئت حاکمه ایران و دوستان آمریکائی و غربی آنها بود که امروزه مودپانه برای ایران دل می‌سوزانند و آرزو دارند مجدداً با این گانگسترها قراردادهای «دوستی و مودت» بسته شود. به سوء سابقه غرب در ایران مراجعه کنیم که اینچنین موجبات ناراحتی اپوزیسیون آمریکائی را فراهم کرده است.

غربی‌ها در زمان سلسله شاهنشاهی قاجار قرارداد «ترکمن‌چای» و «گلستان» را به رهبری امپریالیسم بریتانیا در نزاع با تزار روسیه به ایران تحمیل کردند، نفت ایران را به غارت بردند تا اینکه «دکتر محمد مصدق» این نفت را ملی کرد، حساب و کتاب در کار آن وارد نمود.

تمام این ممالک امپریالیستی، که ما ایرانی‌ها صد سال زیر بار قراردادهای محرمانه و خفت‌بار آنها از زمان شاهان قاجار تا سلسله منفور پهلوی زجر کشیده‌ایم، از این خاصیت‌ها برخوردارند. قرارداد خفت‌بار «ویلیام ناکسدراسی» William Knox (D'Arcy) در سال ۱۹۰۰ و تمدید ۶۰ ساله‌اش در زمان «رضاخان قلدرا»، این سرسپرده بریتانیا، و

قرارداد اسارت‌بار و خائنانه «کنسرسیون» نفت بعد از ملی کردن صنعت نفت ایران به رهبری «دکتر محمد مصدق» در بعد از کودتای مشترک خائنانه امپریالیسم آمریکا - بریتانیا در ایران، همه از زمره ترانزنامه‌های «منصفانه» و «بشر دوستانه» این هیولاهای غربی هستند.

در تاریخ ۲۶ مه ۱۹۰۸ در مسجدسلیمان حفاری «ویلیام ناکس داری» انگلیسی به نفت رسید. در آوریل ۱۹۰۹ وی مدیرعامل شرکت تازه تأسیسی به نام «شرکت نفت ایران و انگلیس» گردید (درست خوانده‌اید انگلیس و نه چین). این شرکت بعدها به «بریتیش پترولیوم» و سرانجام به بی پی BP (که از آن در ایران این «دوستان ایران‌دوست» غربی به عنوان **بنزین پارس** - بی پی- یاد می‌کردند) تغییر نام پیدا کرد. این شرکت با قرارداد استعماری، که با ایران بسته بود و مردم هیچگاه از مفاد محرمانه‌اش با خبر نشدند، تنها ۱۶ درصد ادعائی از سود سالانه نفت خود را به ایران واگذار می‌کرد. این شرکت غربی و غیرچینی حساب و کتابی به ایران تحویل نمی‌داد. دولت در دولت بود. ایرانی را به داخل منطقه اشغالی خود راه نمی‌داد، پلیس هندی و حکومت خودش را داشت. حق حاکمیت ملی ایران را زیر پا می‌گذاشت. اینکه ۱۶ درصد از سود سالانه به ایران می‌رسید، تنها بر اساس محاسبات مخفیانه و غیرقابل کنترل این شرکت بدون دخالت ایران در محاسبه آن بود. این شرکت انگلیسی، نفت ایران را با یک لوله مخفی انتقال نفت از آبادان و گذر از زیر رودخانه مرزی اروندرود به بصره برده و رسماً سرقت می‌کرد، همین کاری که امروز آمریکا با نفت عراق و سوریه می‌کند. اسناد این دزدی در زمان حکومت «دکتر محمد مصدق» بر ملا شد. این دزدهای «جنتلمن» همه همدستان کودتاگران در ۲۸ مرداد بودند و همه آنها تابعیت غرب داشتند و چینی نبوده چشمان‌شان بادامی نبود. باید تبصر خارق‌العاده در جعل واقعیات داشت تا این عدالت‌خواهی ایرانی را، که مورد ستم و ظلم قرار گرفته است، با واژه «غرب‌ستیزی» لاپوشانی کرد. غرب‌ستیزی ایرانی، استعمارستیزی، مبارزه با سارقان جهانی است و طبیعی است که همدستان این راهزنان از آن ناراضی باشند. ولی ایرانی میهن‌دوست به «غرب‌ستیزی» خود افتخار می‌کند، زیرا تضمین استقلال کشورش است.

شما می‌توانید از این خیل خودفروشان بپرسید که کدام‌شان از بندهای محرمانه این قرارداد اطلاع داشتند که بعد از ملی شدن صنعت نفت توسط «دکتر محمد مصدق» مجدداً به قرارداد محرمانه «کنسرسیون» تبدیل شد که روح این عده از بندهای محرمانه آن خبر نداشت و ندارد و حتی امروز نیز حاضر نیستند به آمریکا، بریتانیا، فرانسه و هلند در مورد انعقاد «قرارداد کنسرسیون»، که محصول کودتای خائنانه ۲۸ مرداد بود، اسائه ادبی بکنند. کدامیک از این ایران‌فروشان از مواد محرمانه پیمان‌های نظامی «بغداد»، «ستوت»، قرارداد دوجانبه نظامی ایران با آمریکا روح‌شان معذب شده است که با استناد به این فروش ایران به غرب، خواهان آن باشند که باید جلوی «ایران‌فروشی» را گرفت. ایران برای آنها فروشی نیست، **ادامه در صفحه ۶**

محرمانه بودن... دنباله از صفحه ۱

نقد بر محرمانه بودن قرارداد به معنای عدم انعقاد قرارداد بطور کلی با چین نیست. مشکل این ایرانیان «عقل کل»، که ما به ماهیت آنها اشاره کردیم و در ادامه نیز به آن خواهیم پرداخت، اساساً نه تنها دشمنی با هرگونه انعقاد قرارداد، بلکه دشمنی با قراردادهای ضد آمریکائی و اسرائیلی است. آنها هوادار «دنیای آزاد» هستند که در رأس اش آمریکاست و بر گور میلیون‌ها چینی، کره‌ای، ویتنامی، کامبوجی، اندونزی‌یائی، افغانستانی، ایرانی، عراقی، سوری، لبنانی، فلسطینی، یمنی، مصری، لیبیائی، کنگوئی و... بنا شده است. «دنیای آزاد» این اپوزیسیون ایرانی، که هوادار «جانکاپچک» هاست، مصالح ایران نیست، اسارت ایران است، زیرا تمام تاریخ و تجربه خلق‌های ایران و جهان را در مورد این «دنیای آزاد» و امپریالیسم غارتگر غرب، که ایران را به نابودی کشانده بود، آگاهانه نفی می‌کند. اطلاعاتی که در این زمینه به علت محرمانه بودن قرارداد به نظر افکار عمومی رسیده است، اطلاعات ناکافی و بر اساس حدس و گمان است. حتی خبرگزاری‌های جهان نیز نتوانسته‌اند اسنادی در این زمینه منتشر کنند که قابل استناد باشد. این خبرگزاری‌ها، که حتی حمایت آشکار و پنهان سازمان‌های جاسوسی غرب را یدک می‌کشند و منبع اطلاعاتی این سازمان‌ها خوراک تبلیغاتی آنهاست، در بهترین حالت به قراردادهای مشابه چین با ممالک آفریقائی استناد می‌کنند که تازه در مورد آنها نیز به علت محرمانه بودنشان اطلاعات کافی در دست ندارند تا در اختیار افکار عمومی مردم جهان قرار دهند. علاوه بر این چنین ادعاها و «اطلاعاتی» نیز با توجه به ماهیت دروغ‌گوینان و عوام‌فریبانه آنها معلوم نیست که صحیح و قابل استناد باشند. ولی در میان اپوزیسیون خودفروخته ایران، که واژه‌های تحقیق و بررسی علمی کلمات بیگانه‌ای هستند، مشتی سرسپرده آمریکائی - اسرائیلی به یقه‌درانی مشغول‌اند که گویا از تمام زوایای این قراردادهای «استعماری» با خبرند و با تبلیغات دروغ و هوچی‌بازی نژادپرستانه تلاش می‌کنند ایرانیان میهن‌پرستی را که از تبهکاری، بی‌قانونی، فساد رژیم جمهوری اسلامی جان‌شان به لب رسیده است، فرب داده و آنها را به صف کرده بر ضد همکاری ایران با چین و روسیه و در آینده شاید با هندوستان بشوراند، تا راه ورود غارتگران جهانی، مانند زمان شاه، به ایران باز گردد و کشور ما مجدداً به مظهر استعمار جمعی امپریالیست‌های غرب بدل گردد که با و یا بدون قرارداد ایران را غارت می‌کردند. حزب ما به خاطر نمی‌آورد که غرب «دموکرات» قراردادهای محرمانه و استعماری خویش از جمله با ممالک آفریقائی را بدون کم و کاست منتشر کرده باشد. هم اکنون دولت چین بر اساس گزارش خبرگزاری تسنیم با بیش از ۵۰ کشور جهان «مشارکت جامع» نظیر سند با ایران، سند «مشارکت راهبردی»، و یا «مشارکت استراتژیک جامع» منعقد کرده است. سند امضاء شده با ایران نازل‌ترین سطح اسناد منعقد شده است. در میان این کشورها نام آمریکا، کانادا، استرالیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، بریتانیا، اسپانیا، اتحادیه اروپا،

لهستان، هند، ترکیه، الجزایر، آفریقای جنوبی، اتحادیه آفریقا، یونان و سریلانکا و... همراه با ده‌ها کشور دیگر به چشم می‌خورند. آیا مضحک نیست که ما مدعی شویم کشور چین سر همه این کشورها را با قراردادهای سحرآمیز خویش کلاه گذارده است؟ و یا مدعی شویم با همه آنها قراردادهای عادلانه بسته و تنها با ایران قرارداد استعماری منعقد نموده و سر ما را کلاه گذارده است؟ مطابق بررسی‌های بانک جهانی عملکرد سرمایه‌گذاری خارجی چین در کشورهای در حال توسعه و کم توسعه در مجموع مثبت بوده و توانسته است به توسعه اقتصادی کشورهای میزبان یاری رساند. این اعتراف بانک جهانی است که خود یکی از ابزارهای نفوذ امپریالیسم جهانی غرب به شمار می‌آید و نمی‌توان مدعی شد در مورد چین تعصب به راست‌گوئی دارد. بشریت آگاه می‌داند که استعمار غرب، آفریقا و ممالک «دنیای سوم» را به فقر و فلاکت کشانده است. آنها اساساً با ممالک فقیر قراردادی نمی‌بستند، سربازان خویش را گسیل می‌داشتند تا ثروت‌های این ممالک را برابیند و از آنها برده بگیرند. کجا بودند این منتقدان و اسلاف‌شان زمانی که استعمارگران غربی آفریقا را به یغما می‌بردند و می‌بردند که حالا این چنین برای حضور چین در آفریقا و «غارت ثروت‌های آفریقائی»‌ها اشک تمساح می‌ریزند؟ تمام ممالک آفریقائی، که با چین قرارداد امضاء کرده‌اند، از توسعه و پیشرفت خود سخن می‌گویند و این پیشرفت‌ها را به رخ استعمارگران اروپائی و غربی می‌کشند. آیا این کشور چین بود که الجزایر را به خاک خون کشید و «باترینس لومومبا» را در کنگو در ظرف اسید حل کرد؟ آنوقت اپوزیسیون دست راستی و دست «چی» ایران طوری سخن می‌گوید که گویا در جهان تنها یک قرارداد طویل‌المدت بسته شده و آن هم با ایران برای غارت کشور ما بوده است. بر این همه تحریف و هوچی‌بازی و نفی واقعیات و ارزیابی «منصفانه» چه نامی جز ریا، دروغ و تزویر می‌توان نهاد؟ فراموش نکنیم که در قبل از انقلاب ایران، شاه بود که تصمیمات‌اش قرارداد بود و از متن آنها کسی خبر نداشت. انقلاب ایران به این وضعیت نابسامان و ایران‌فروشانه خاتمه داد و ۵۰ هزار مستشار نظامی آمریکائی با حق مصونیت قضائی (کاپیتولاسیون) همراه با دستگاه استراق سمع‌شان (شنود) در مرز شوری را - درست خوانده‌اید نه ۵ هزار نفر مأموران حفاظتی، بلکه ۵۰ هزار نفر نظامی آمریکائی با حق مصونیت قضائی - همراه با شبکه جاسوسان موساد و سیا و سازمان‌های امنیتی ممالک غربی، که در سرکوب آزادی‌خواهان ایران فعال بودند، از ایران برای همیشه بیرون ریخت. آیا قیام مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بر ضد کاپیتولاسیون شاه را فراموش کرده‌اید؟ آیا خوانندگان میهن‌پرست ایرانی علاقمند به سرنوشت کشورشان؛ به خاطر می‌آورند که این عده مخالفان بستن قرارداد با چین، به قرارداد «برجام» که منافع ایران را خدشه‌دار کرد، ولی در خدمت منافع غرب بود، ایرادی گرفته باشند؟ آنها با هر نوع قراردادی که ایران در اثر ضعف خود، با غرب ببندد و به آن‌ها امتیاز بدهد و منافع و مصالح

ملی ایران را در پای منافع این غارتگران تارانده از ایران، قربانی کند، موافق‌اند. چینی‌ها برای ممانعت از خرابکاری غرب و رقابت در بازارهای جهانی، آنطور که بیان کرده‌اند بر محرمانه بودن این قراردادها تأکید می‌ورزند. ناگفته نماند که همه ممالک جهان به ویژه جهان امپریالیستی و در رأس‌شان آمریکا، اروپا و اسرائیل تمام قراردادهای خود را یا محرمانه می‌بندند و یا با تبصره‌های محرمانه همراه می‌کنند، به طوری که یا در پارلمان آنها مطرح نمی‌گردد و یا در کمیسیون‌های متعدد مورد اعتماد «مفقود» می‌گردند. بخش‌هایی از این بندهای محرمانه تنها در کمیسیون‌های ویژه امنیت ملی مورد بحث و اظهار نظر قرار می‌گیرند. در حقیقت آن قراردادهایی که برای طبقه حاکمه این کشورها جنبه حیاتی دارد؛ هرگز وابسته به رأی پارلمان‌ها نمی‌گردد و «نمایندگان مردم» از حق اظهارنظر خود صرف‌نظر کرده و یا حسابگرانه از ابراز نظر مُضَرّ برای قرارگرفتن در فهرست اسامی نامزدهای انتخابات بعدی پرهیز می‌کنند. به خاطر آوریم که ممالکی نظیر بریتانیا و آمریکا و نظایر آنها چند ده سال بعد از اقدامات محرمانه و از بالای سر پارلمان‌های این کشورها به انتشار اسناد محرمانه خویش برای استفاده تاریخ‌نویسان و... دست می‌زنند. آنها حتی به محرمانه بودن این اسناد اعتراف می‌کنند. و ما از ایرانیان مخالف می‌پرسیم؛ در کدام پارلمان بریتانیا، آمریکا، فرانسه و یا هلند در مورد کودتای خائنه و ضد ملی ۲۸ مرداد بحث شده و نمایندگان آن به اتخاذ تصمیم دموکراتیک مبادرت کرده‌اند؟ در این زمینه می‌توان نمونه‌های فراوان برای کسانی، که به بیماری فراموشی و یا نوکرصفتی دچار شده‌اند، نقل کرد. باز هم فراموش نکنیم که بسیاری از این قراردادها دارای حجمی حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ صفحه و یا حتی بیش‌ترند که با زبان ویژه دیپلماتیک و حقوقی نوشته شده‌اند و متن اصلی آنها به زبان انگلیسی است، که باید با حفظ اصالت مضمون به زبان ملی کشورها برگردانیده و مطالعه شود. «نمایندگان مردم» نه وقت مطالعه آنرا در عمل دارند و نه کارشناسی لازم را، تا بتوانند حتی با کار شبانه‌روزی و بحث‌های کافی به جزئیات این مسائل بپردازند. این واقعیات برای آن بخش از اپوزیسیون ایران، که در ممالک غرب زندگی کرده‌اند - اگر کمی خود را با سیاست درگیر نموده باشند -، مثل روز روشن است. هر روزی که می‌گذرد این نمایش را می‌بینند و شاهدند که روزنامه‌های رسمی این ممالک در مورد قراردادهایی، که به حیاتی بودن آنها اعتقاد دارند، از باز کردن دل و روده قراردادها از ترس «دشمن همسایه» خودداری می‌کنند، زیرا این «مطبوعات آزاد» و دست‌پرورده به وظایف خویش واقف‌اند و در مدارس آموزش خبرنگاری؛ آنها را به خوبی به سر به‌زبری در سایه چماق اقتصادی پرورانده‌اند. چنانچه کسانی در خارج از کادر منافع نظام، مقالات افشاگرانه رقم زنند، یا با سونامی اتهام و توزیع اکاذیب و ایجاد فضای مسموم تحت‌الشعاع اخبار جعلی قرار می‌گیرند، یا از شبکه مجازی حذف می‌گردند و یا در اثر رویدادهای مالیاتی، مافیائی، سوانح غیرقابل **ادامه در صفحه ۶**

با تسلط رویونیسم بر حزب طبقه کارگر، ماهیت پرولتری حزب تغییر می‌کند!

هياهوی از غم... دنباله از صفحه ۱

قرارداد را طوری تدوین و تنظیم می کنند که خواست مفیدبودن قرارداد برای طرفین قابل قبول باشد. این اساس و روح قرارداد است. اینکه ایران در عمل بتواند با اقدامات کارشناسی، تکیه به علایق ملی مردم و روحیه خدمت به میهن ما در این مذاکرات موفق شود و امتیازات بیشتری کسب کند و یا نکند، بازمی گردد به روش حاکمیت، که چه هدفی را از نزدیکی به کشور چین از طریق این قرارداد دنبال می کند. به نظر ما این مبتذل کردن بحث و جنبه تهدیدآمیز به آن دادن است، چنانچه بخواهیم این اقدام راهبردی و مهم را در تاریخ دو کشور تا حد تلاش جمهوری اسلامی برای بقای خود و جمهوری توده ای چین برای اسارت ایران تقلیل دهیم. البته در این میان نقش حاکمیت ایران مهم است و باید زیر ذره بین داوری مردم قرار گیرد که آیا با سیاست روشن و داشتن دورنمای راهبردی، و شناخت به اینکه چه می خواهد و چگونه برای تحصیل این خواست عمل می نماید، با تحقیق و تعمق، آمادگی، مطالعه، همه جانبه نگری، استفاده از کارشناسان و دانشمندان در کلیه عرصه ها و دوراندیشی در این مذاکرات وارد گفتگو با طرف چینی شود و یا اینکه زمام خود را در اختیار طرف چینی قرار می دهد. ایرانیان میهن دوست، که خواهان پیشرفت و ترقی ایران هستند، نوع برخوردشان به این قرارداد با دشمنان ایران، که نقاب وطن پرستی به چهره زده، ولی تا مغز استخوان نوکر بیگانه هستند، تفاوت دارد. ایرانی وطن دوست با منطق و کیاست تلاش می کند بر اساس این قرارداد، که خطوط کلی قابل قبولی را طرح کرده است، بیشترین سود را از آن کسب کند و از حمایتی که چینی ها پیشنهاد می کنند با توجه به منافع ایران بیشترین مزیت ها را صاحب شود. این سیاست برای همه کشورها و در تمام جهان از اعتبار یکسانی برخوردارند. اینکه به طور مشخص رژیم جمهوری سرمایه داری اسلامی تا چه حد توانائی و شایستگی دارد تا بتواند تا حد ممکن از این پیشنهادات به نفع مردم ایران استفاده کند، مسئله دیگری است که باید بر سر آن به بحث جداگانه دست زد و نه آنکه آن را بهانه ای کرد تا به مطالبی در توافقمنامه استناد کرد که اساساً وجود خارجی ندارند. با دروغ گوئی و پخش شایعه بدون برخورد علمی و مشخص، خدمتی به مصالح ایران نمی شود کرد، بلکه تأیید نادانی و یا افتخار به نوکری آمریکا و اسرائیل و دشمنی آنها با ایران است. این «ایرانی ها»، حاکمیت ایران را به علل تاریخی گوناگون، که ما به آن خواهیم پرداخت، مورد هجوم قرار می دهند که گویا در مقابل چین نمی تواند از حقوق ایران دفاع کند و مذاکره با چین به ضرر منافع و مصالح ایران است. آنها هرگونه صلاحیت و شایستگی این رژیم برای مذاکره با طرف چینی را نفی می کنند. با منطق این گروه معلوم نیست که چرا این حاکمیت بی عرضه و فاقد صلاحیت و فاقد شایستگی، از این صلاحیت و خصوصیت عالی برخوردار است تا با آمریکا و اسرائیل، که دشمنان سوگند خورده ایران هستند به انعقاد قراردادهای مناسب و سودآور برای ایران موفق شود؟ این منطق برای حزب ما روشن

نیست. یا باید پذیرفت که نمایندگان آمریکائی - اسرائیلی طرف گفتگوی احتمالی با ایران، از بلاهت عمیق برخوردارند و فرب جمهوری سرمایه داری اسلامی را می خورند و یا باید پذیرفت که برای افراد سرسپرده، منافع و سرنوشت ایران به بهانه وجود جمهوری اسلامی اساساً مطرح نیست. آنها با هرگونه سرمایه گذاری و با هرگونه انعقاد قرارداد با ایران، تا زمانی که حکومت کنونی بر سر کار است، حتی اگر عمر این حکومت نکبت بار «خدا نکرده» صد سال هم طول بکشد، مخالفاند. ایران به زعم آنها حق ندارد به انعقاد قرارداد پردازد و یا حتی نفتش را بفروشد، زیرا با منطق کاذب این عده، پولش به جیب جمهوری منفور اسلامی می رود. برای این عده گویا فقط پولی که به کیسه اسرائیل و آمریکا برود حلال است. برای آن ها گرمی تر است ایران به قعر عصر حجر برود و مردم اش علف بخورند تا اینکه احساسات «بشردوستانه» غرب و اسرائیل جریحه دار نشود. این عده با انعقاد هر نوع قرارداد با چین مخالفاند و آن وقت معلوم می شود که نیت دروغ گوئی و یا ماهیت انتقاد آنها از قرارداد مشترک با چین اساساً خود نفس قرارداد بوده و نه مطالعه واقع بینانه مضمون آن. آنها تنها به صرف وجود رژیم جمهوری اسلامی در ایران به عنوان یک طرف تعیین کننده قرارداد، مخالف آن قرارداد هستند. آنها ظاهراً بر این نظرند تا موقعی که جمهوری سرمایه داری اسلامی در ایران بر مسند حکومت نشسته است، ایران حق انعقاد هیچ قراردادی را ندارد. طبیعی است که این منطق به یاهو گوئی و بستن دهان مخالفان این رژیم در برخورد به آنها و اتخاذ سیاست روز برای ادامه فعالیت خود می انجامد. آیا خنده دار نیست که ما به عنوان ایرانی مسئول و علاقه مند به سرنوشت کشورمان مدعی شویم که ما تا زمانی که در ایران طبقه کارگر بر سر کار نیامده و حکومت کمونیستی مستقر نکرده است، با انعقاد هر قراردادی مخالفیم؟! باید به این کمونیست های آمریکائی و هواداران تحریم و تجاوز به ایران گفت که اگر در ایران زحمتکشان بر سر کار آیند و حکومت وقت ایران انقلابی و کمونیستی شود، آنوقت تازه ایران در محاصره اقتصادی شدیدتر و تحریم شدیدتر قرار خواهد گرفت و هیچ کشوری حاضر نیست با ایران قرارداد عادلانه و انقلابی امضاء کند. آیا نمونه شوروی سوسیالیستی، کوبا، جمهوری دموکراتیک کره، ونزوئلا، نیکاراگوئه و... فراموش کرده اید؟ چقدر باید مغزها کوچک و محدود باشد تا بتواند به این نتایج پوچ نایل شود که سرنوشت هر قراردادی را در ایران به سرنوشت حکومت کمونیستی آینده گره زند. تروتسکی هم از این اظهار فضل های خنده آور نکرده است. ولی این اظهار فضل های «کمونیستی» برای فرب مردم ایران به خاطر تمکین از آمریکا و اسرائیل تبلیغ می شود و ربطی به انقلابی، چپ و یا کمونیسم ندارد. ولی حتی این فرضیه حزب ما نیز نمی تواند به اندازه کافی گویا باشد، زیرا این «میهن پرستان» و «انقلابیون» وقتی قرارداد «برجام» امضاء شد و سیل هیئت های نمایندگان اقتصادی دولت ها و کنسرن های اروپا از جمله، آلمان، فرانسه و ایتالیا به ایران جاری گشتند و قراردادهای محرمانه پُر نان و آبی با ایران بستند، صدای این اپوزیسیون

خودفروخته در نیامد و پرچم انتقاد به جمهوری اسلامی را برنیاوراشتند و حتی به رقاصی و پایکوبی مشغول بود. آنها وقتی ناراحت شدند که شاهد گشتند شرکت فرانسوی «توتال» از منافع امپریالیسم فرانسه چشم پوشید و ایران را ترک نموده و به زیر قراردادش زد. زیرا آن قراردادهای بیش تر منافع امپریالیسم غرب را تأمین می کردند تا ایران را. زمانی هم که این امپریالیست ها به زیر امضای خود زده و به دستور سرکرده شان، آمریکا، از اجرای قراردادهای خود سرباز زدند، باز این اپوزیسیون خودفروخته دست به اعتراض نزد و برضد آنها به نمایشات اعتراضی متوسل نشد. شعار این اپوزیسیون تهی مغز و آلت فعل امپریالیسم در ایران این است که ایران را باید از همه سازمان های جهانی بیرون کرد، ورزش ایران را تحریم نمود و تحریم اقتصادی و سیاسی آمریکا را با نوع شدیدتری از تحریم های پیشنهادی آنها تکمیل کرد، تا اتهامی برای نقض موازین بین المللی به دامن آمریکای محبوب آنها نجسید و همه چیز به نام اپوزیسیون ایران تمام شود. آنها هوادار رژیمی در ایران هستند که فقط با آمریکا و اسرائیل قرارداد محرمانه و اسارت آور ببندد. مانند تمام قراردادهای محرمانه ای که رژیم شاه با آنها بسته بود. غالب کشورهای دنیا و به ویژه در منطقه خواهان ایران قدرتمند نیستند و همه این ممالک برای منافع خود فعالیت می کنند و از این نظر ماهیتاً فرقی میان چین و آمریکا نیست. هیچ کشوری دلش برای ایران نسوخته است و فقط دلش برای منافع خودش می سوزد، از جمله کشورهای جنایتکاری نظیر آمریکا، اروپای صنعتی و اسرائیل، که تمام تجربه تاریخ استعماری آنها این واقعیات را برای آنها، که کور نیستند، به نمایش گذارده است. اینکه مطبوعات و بلندگوهای آنها فریاد ازدست رفتن ایران را سر داده اند و شششتی دشمنان ایران و برخی افراد ناآگاه را نیز به جلوی گاری تبلیغاتی خود بسته اند، ناشی از بشردوستی آنها و یا نگرانی برای حفظ استقلال ایران، تقویت صنایع داخلی ایران، قدرتمندی ایران، که مقام شایسته خود را در منطقه داشته باشد، نیست. نگرانی آنها از بابت بختی است که برای غارت ایران مانند زمان شاه به علت سیاست های جنایتکارانه تحریمی و قلدری و نقض حقوق مردم ایران در جهان از دست داده اند. آنها انقلاب ایران را، که شاه نوکر و دشمن استقلال و آزادی ایران را سرنگون کرد، به رسمیت نمی شناسند و به ایرانی علاقمندند که مظهر استعمار جمعی باشد و بتواند منابع کانی آن را بدون نظارت و آمار و حتی قرارداد، کیسه کیسه از ایران مخفیانه بلزدند و ببرند و مردم ایران حتی ندانند که کشورشان دارای منابع اورانیوم است. آنها در ایران مجدداً شاه می خواهند و ایرانی که مظهر استعمار جمعی امپریالیست ها باشد و در کنار سرکوب، زندان، شکنجه و اعدام با نقض حقوق بشر و اعمال حکومت مطلقه منافع امپریالیسم را با حجاب و یا بدون حجاب تأمین کند. آنوقت این رژیم از نظر غرب «ملی» و «متجدد» است. این مبانی نگرانی امپریالیسم و صهیونیسم است که با تبلیغات و عریده کشی به میدان آمده اند و برای از دست رفتن منافع خود اشک می ریزند و شیون و زاری راه می اندازند. •

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

محرمانه بودن... دنباله از صفحه ۴

پیش‌بینی از صحنه مبارزه حذف می‌گردند. و سرانجام کار و سرنوشت‌شان به دست گروه‌های تروریستی می‌افتد که آنها و یا خانواده آنها را ترور می‌کنند. این است که به نظر ما منافع ملی یک کشور را فقط به تصمیم نمایندگان انتخابی و یا «انتخابی» نمی‌شود موقوف کرد و آن را تعیین‌کننده و تنها معیار برای ابراز نظر قطعی قرار داد. مسئله محرمانه بودن قراردادهای را باید به صورت نسبی و تحلیل مشخص طرح کرد، زیرا برای ما نیز روشن است که نیازی به اطلاع‌دهی مفاد قرارداد ایران و چین به آمریکا و اسرائیل نیست و هر کشوری باید از آن پرهیز کند. در مورد حقانیت، مفیدبودن یا مقتضی بودن یک قرارداد، آن هم در شرایط کنونی جهان، باید مسایل متعددی را مد نظر قرار داد و همه‌جانبه به اظهارنظر عینی و طبقاتی پرداخت. هوچی‌بازی معیار خوبی برای قضاوت در مورد منافع ملی ایران نیست. برای پرداختن به مضمون و کیفیت قرارداد کنونی، که به امضاء رسیده است، باید هم شرایط جهانی و هم شرایط درون کشور مورد بررسی قرار گیرند و نه تنها محرمانه بودن قراردادها. در غیر این صورت آنچه باقی می‌ماند، هوچی‌گری، دروغ‌گویی، تشنج‌آفرینی و تحریک احساسات ناسیونال - شونیستی و نژادپرستانه و حتی آدم‌خوارانه ضد چینی توسط دشمنان بی‌نقاب ایران است. •

حکومت «جو بایدن»... دنباله از صفحه ۸

ایجاد کرده به طوری که آسیائی‌تباران و نه تنها اتباع چینی در آمریکا و اروپا مورد هجوم مزدوران سفارشی و یا نژادپرستان «سفیدپوست» قرار گرفته‌اند. همین سیاست ضدانسانی و ضدچینی را میان پاره‌ای جوجه جاسوسان ایرانی خود رواج داده‌اند که از ایرانیان می‌خواهد در ایران به چینی‌ها حمله کرده و آنها را به قتل برسانند. این جاسوسان ایرانی و خودفروخته، که برای نمایشات اعتراضی جلوی مراکز نمایندگی چین در پاره‌ای ممالک غرب با خواست آمریکا و سازمان‌های امنیتی آنها بسیج شده‌اند، وجدان‌شان از کشتار مردم ایران در اثر تحریم و جنگ توسط آمریکا معذب نیست. وجدان‌های این بی‌وجدان‌ها شاخک‌های ضدچینی دارند. به تحریم ایران و کشتن مردم کشورشان و یا دادن گاز سمی خردل در جنگ تحمیلی ایران و عراق به طرف متجاوز برای نابودی ده‌ها هزار هموطن ما از طرف آمریکا و غرب مشکلی ندارند. وجدان‌های این بی‌وجدان‌ها طبقاتی است. به خاطر آوریم که «دونالد ترامپ» بر ضد مسلمانان توثیت می‌نوشت، آنها را از ایالات متحده آمریکا اخراج کرد و یا از ورودشان به آن کشور جلو گرفت. یکی از عرصه‌های فعالیت ترامپ و همدستان‌اش در سوئد، هلند، دانمارک، سوئیس، فرانسه، استرالیا و... مبارزه علیه اسلام و حمایت از اسلام‌ستیزان بود. توهین به مقدسات مسلمانان همه را «شارلی ابدو» کرده بود و این دشمن‌ها، توهین و تحقیرها را به جای آزادی عقیده جا می‌زدند و می‌زدند. سیاست اسلام‌ستیزی

در چند دهه اخیر از سیاست‌های همه ممالک امپریالیستی بود. خانم‌های آنچنانی سومالیایی، ترک، عرب و ایرانی را به صحنه می‌آوردند تا آزادی عقیده خود را با لخت و عریان شدن به عرصه فروش بگذارند، نهادهای ضدمسلمانی از جمله به دست حزب کمونیست کارگری اسرائیلی نظیر کلپ «مسلمانان سابق» را با حمایت مستقیم صهیونیست‌ها برای «مسلمانان متنبه و تواب» راه بیاندازد و جهت مبارزه ضداستعماری مردم جهان را منحرف کرده به مجاری جنسی و خصوصی بکشاند. به یکباره پورنوگرافی پرچم مبارزه با اسلام از کار درآمد. در این عرصه هر آنچه بنویسیم کم است و حداقل ایرانی‌هایی که در خارج از کشور زندگی می‌کنند؛ صابون این تحریکات ضداسلامی به تن‌شان خورده است. دولت سوئیس در دوران وجود «کرونا» که اکثریت قریب به ۹۰ درصد از مردم ماسک پوششی «کرونا» را بر چهره حمل می‌کنند، حمل کردن نقاب، روبنده، پیچه اسلامی و نظایر آنها را با تبلیغات و تحریکات توسط یک همه‌پرسی «دموکراتیک» و تصویب قانون به طور رسمی در کشور سوئیس ممنوع کرد. آن هم در کشوری که تنها ۵۰ نفر در آن کشور حجاب و روبنده اسلامی دارند. آیا این ۵۰ نفر زن مسلمان امنیت سوئیس را به خطر انداخته‌اند؟! یا سوئیس نیز، که مرکز مافیای جهان است، دارد وظیفه مقدس اسلام‌ستیزی خویش را در ارکستر همگانی ضد اسلامی ایفاء می‌نماید؟ با این صحنه‌ها همه ایرانیان در خارج از کشور آشنا هستند و هر کس خلاف آن را مدعی شود، تنها یک شارلاتان سیاسی است. ولی بعد از روی کار آمدن «جو بایدن» برخورد به مسلمانان دارد شکل دیگری به خود می‌گیرد. وی ممنوعیت‌های «ترامپ» را برچید و یادش آمد که «پاپ اعظم» تا به حال به عراق به نزد «آیت‌الله سیستانی» نرفته است و دست‌اش را برای همکاری با مسلمانان و شیعه‌ها دراز نکرده است. «جو بایدن» به یکباره یادش آمده در کشور چین در ایالت خودگردان سین کیانگ یا ترکستان شرقی (اویغورستان) خلقی ترک‌تبار وجود دارد که نامش «اویغور» بوده و دین‌اش اسلام است و برخلاف اصول به رسمیت شناخته شده، حقوق بشرش مورد ستم خلق اکثریت «هان» قرار می‌گیرد و گویا دولت چین می‌خواهد بیش از بیست میلیون مسلمان «اویغور» را در داخل چین مستحیل کند. وجدان «جو بایدن» و غرب «انسان‌دوست» از اینکه «گوانتانامو»، «ابوغریب» و «بگرام» دومی در چین تأسیس شود، به شدت معذب است و همه مردم دنیا و نهادهای تاکنون به خواب‌رفته بین‌المللی را فرامی‌خواند، از حقوق مسلمانان به ویژه مسلمانانی که در سر راه جاده ابریشم مسکن دارند، به دفاع برخیزند. از این تاریخ است که اسلام اهمیت سیاسی خود را بازافته و فرمان «بایدن»، که اسلام‌ستیزی موقوف از این به بعد دور، دور اسلام‌گرانی است، به گوش می‌رسد. حالا باید پرچم حمایت از اسلام را در حمایت از قربانیان چینی‌ها در ایران و اویغورستان و آسیای میانه برافراشت. باید چینی‌ها را به عنوان «ویروس کرونا» و یا اژدهای زرد کشت. آمریکائی، که خودش حدود چهارصد

سال قدمت دارد، به تاریخ چند هزار ساله یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های بشریت به دیده تحقیر نگاه می‌کند، زیرا حاکمیت وحشی این کشور نه مفهوم فرهنگ را می‌داند و نه از تمدن‌بوی برده است. فراموش نکنیم «دونالد ترامپ» رسماً اعلام کرد که با حمله به ایران همه آثار باستانی ایران را نابود خواهد کرد، کاری که در واقع «جرج بوش» در عراق انجام داده بود. این هیولا مردم مسلمان و غیرمسلمان منطقه را به نسل‌کشی (پوگروم) بر ضد نژاد زرد تحریک می‌کند و این بخشی از جنگ روانی ضدچینی امپریالیسم مهاجم غرب در رقابت با سوسیال امپریالیسم محتاط چین است. جو بایدن مجدداً زرمه تحریم المپیک آینده در چین را سر داده است و می‌خواهد جنگ با چین را در همه زمینه‌ها حتی زمینه ورزشی، که باید نماد دوستی ملت‌ها باشد، به پیش برد و از آن تلی از نفرت و خصومت ضدچینی بسازد. حال چه کسی قدرت و جسارت آن را دارد که آمریکا را از همه محافل جهانی ورزشی به خاطر برهم زدن المپیک و سرباز زدن از رقابت‌های ورزشی جهانی از المپیک بیرون کند و یا قهرمانان‌اش را تحریم نماید؟ آمریکا، که ایران نیست تا اگر یک ورزشکارش به درستی با ورزشکاران اسرائیلی، که حقوق همه ورزشکاران فلسطینی را نقض کرده و کشورشان را اشغال کرده و از ورودشان به محافل ورزشی جلوگیری می‌کنند، مصاف ندهد، تمام جامعه ورزشی‌اش به تحریم دچار شود. رقابت با یک ورزشکار کشور اشغالگر و ضد فلسطینی جرم دارد، ولی رقابت در برهم زدن المپیک جهانی مجاز است. به این می‌گویند گردن کشی و قلدری و منطق امپریالیستی در جهان، که باید خلق‌های جهان به آن دهنه بزنند. آمریکا مسئول تشنج و جنگ‌افروزی در جهان و به ویژه در خاورمیانه است. آمریکا کشوری است که امنیت ایران و منطقه را برهم زده است و با حضور شوم خود در منطقه فقط برای خلق‌های منطقه نکتب با خود می‌آورد. خطر جنگ و درگیری با حضور نظامی و تهدیدآمیز آمریکا در منطقه افزایش پیدا کرده است. آمریکا باید به کشور خود بازگردد و جائی در منطقه ندارد. «یانکی گو هوم» •

مخالفت با حراج... دنباله از صفحه ۳

مگر اینکه به غرب فروخته شود. واقعیت این است؛ ایران تاکنون قرارداد چشم‌گیر و راهبردی با چین امضاء نکرده است، ولی همه قراردادهایش با غرب استعماری و برای فروش ایران بوده است. به این «ایران‌فروشی»، این وطن‌پرستان کاذب اعتراضی ندارند و پاره‌ای از آنها حتی طالب برگشتن به وضع سابق‌اند. اگر باید شرط احتیاطی به جای آورد، اگر باید شامه تیزی در مورد غارت‌گری داشت، اگر باید به تیش‌های قلب ایرانی میهن‌پرست گوش فرا داد، آنوقت باید از انعقاد قرارداد با غرب به هراس افتاد و تجربه صدساله اخیر را به خدمت گرفت. پس می‌بینیم که این چین‌ستیزی ربطی به قرارداد با ایران ندارد به سیاست عمومی امپریالیسم آمریکا ربط دارد. به خودفروشی ایرانیانی ربط دارد که خواهان انعقاد قراردادهای استعماری تنها با غرب هستند. •

ایجاد ناامنی، تشنج و حادثه‌آفرینی امپریالیست آمریکا در جهان، سرمنشاء همه فجایع است

شرایط جهانی... دنباله از صفحه ۸

آنها از سازمان بهداشت جهانی، یونسکو، قرارداد محیط زیست پاریس، قرارداد دوجانبه اقتصادی با اروپا، قرارداد مشترک با مکزیک و کانادا، قرارداد منع گسترش سلاح های هسته ای، کنوانسیون حقوق بشر، احترام به حق حاکمیت کشورها و ده ها تعهد بین المللی دیگر خارج شده اند و مورد اعتراض و فشار بین المللی نیستند، زیرا با زبان زور صحبت می کنند و تهدید کرده اند با اقدامات پیشگیرانه، که آتیا آتین جدید خود می دانند، از پیشرفت و تکامل سایر کشورها، که می توانند برای آمریکا در آینده خطرناک شوند از هم اکنون با قلدری نظامی و اقتصادی جلومی گیرند. یعنی امپریالیسم آمریکا کاری را که در عراق کرد، آماده است در سراسر جهان انجام دهد.

سخنان آمریکا فقط تهدید توخالی نیست به آن در جهان عمل کرده و می کند. پرتاب گلوله های آلوده به مواد رادیواکتیو در یوگسلاوی، افغانستان و عراق از درجه توحش این کشور حکایت می کند که با آدم کشی و آلوده کردن محیط زیست برای میلیاردها سال آینده تفاله های اتمی خود را از بین ببرد. امپریالیسم آمریکا بزرگترین تهدید برای بشریت، برای صلح جهانی و آسایش انسان ها و خطری جدی برای تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی کشور ما ایران نیز هست. این حاکمیت متجاوز بودجه ای تقریباً برابر با ۸۰۰ میلیارد دلار، که بودجه ای جنگی است، به تصویب رسانده است و این صرف نظر از بودجه های سازمان های امنیت و فضائی و جاسوسی این کشور است. بودجه های نظامی متحدان این دیو نظیر عربستان سعودی، اروپا، اسرائیل و... را جداگانه باید به حساب آورد. این امپریالیسم جهان را به لبه پرتگاه مرگ و نیستی تارانداده است و نماد دنیای اسارت و چپاول به معنای واقعی است.

این امپریالیسم، که خوشبختانه از ایران رانده شده و نوکر دست به سینه خود «محمد رضا شاه» را در منطقه از دست داده است، می خواهد به هر قیمت، حتی نابودی ایران، مجدداً به منطقه، که جنبه راهبردی برای مبارزه با رقبای و منافع اش دارد، بازگردد و از این جهت از هیچ کوششی برای تشنج آفرینی در منطقه و جنایاتی که در افغانستان، عراق، یمن مرتکب شده و می شود، رویگردان نیست. این امپریالیسم مستمراً به خاک ایران تجاوز کرده و به تحریک مشغول بوده و داعش دست پرورده خویش در سوریه و همچنین نیروهای تروریستی ایرانی دست پرورده خود را به سمت ایران کیش داده و می دهد.

جایگاه سوسیال امپریالیسم... دنباله از صفحه ۸

از احساسات ملی و ضد خارجی مردم مارگزیده ایران سوءاستفاده می کنند، همان بخشی، که سرش در آخورهای منابع امنیتی سیاه، موساد و عربستان سعودی بوده و یا غرب زدگی و تبلیغات صهیونیستی تا مغز استخوان اش نفوذ کرده است، نشان می دهد چقدر موقعیت خرابکاری و عینی برای نابودی ایران به دست آمریکا مساعدتر است تا در دست چین. خطری که ایران را بالفعل و بالقوه تهدید می کند، سوسیال امپریالیسم چین نیست، امپریالیسم آمریکاست که صابون غارت گری و چپاول و خونریزی وی به تن مردم ایران همراه با استعمارگران بریتانیایی در صد سال اخیر مستمراً خورده است و دیگر با هیاهوی ایرانی های خودفروش، این تاریخ خیانت قابل کتمان نیست. این کشور چین نیست که تمامیت ارضی، حق حاکمیت ملی و حقوق ایران را تهدید می کند و با زبان نژادپرستان و زورگویان با ایران صحبت می نماید، این رهبر «دنیای آزاد»، امپریالیسم تبهکار جهانی آمریکاست، که به خود اجازه تحقیر سایر ملل را می دهد. این واقعیتی است که ما در دنیای کنونی و در منطقه با آن روبرو هستیم و امنیت تمام مردم منطقه را به خطر انداخته است. این امپریالیسم آمریکاست که ایران را محاصره اقتصادی، سیاسی و نظامی کرده است و برای خرابکاری چمدان های پول در خارج میان اپوزیسیون خودفروخته پخش می کند. اروپای متحد نیز در کنار آمریکا علی رغم همه تضادهایش با آمریکا به عنوان متحد ایستاده است. تمام ارتجاع منطقه در کنار امپریالیسم آمریکا قرار داشته و کشور ما را شبانه روز تهدید می کنند. اگر کسی ریگی در کفش نداشته باشد و بخواهد اوضاع جهان و منطقه را واقع بینانه و بدون تعصب بررسی کند، متوجه می شود که کشور چین، که هم و غم خود را محدود به افزایش قدرت اقتصادی در محیطی خارج از تشنج قرار داده است، خطری بالفعل برای صلح جهانی نیست. حفظ صلح و ایجاد آرامش و تشنج زدائی، تلاش برای رفع اختلافات کشورها در سراسر جهان و به ویژه منطقه عبور جاده ابریشم بخش مهمی از سیاست راهبردی فعلی چین است، زیرا این سیاست در لحظه کنونی به نفع منافع چین می باشد و در این زمینه با ایران دارای منافع و حقوق مشترک است.

«وانگ یی»، وزیر امور خارجه چین، برای دستیابی به امنیت و ثبات در منطقه با یک ابتکار ۵ ماده ای وارد خاورمیانه شده است. چین قصد دارد ضامن ثبات و میانجی در تقریباً همه درگیری های خاورمیانه، حتی برای فراهم آوردن محل جهت گفتگوهای مستقیم بین اسرائیلی ها و فلسطینی ها در پکن باشد. بر اساس نکات کلی منتشر شده در قرارداد ۲۵

ساله همکاری ایران و چین این همکاری شامل سرمایه گذاری و اجرای طرح های ایمنی، امنیتی، دفاعی، فرهنگی، کشاورزی، اقتصادی، علمی، جهان گردی، نفت و انرژی، زیرساخت های مخابراتی و فناوری ارتباطات، تجارت، بهداشت و سلامت می گردد. در یک کلام تقریباً تمام عرصه های حیات جامعه ایران را دربرمی گیرد. در عوض ایران تخفیف های ویژه برای فروش نفت برای چین قائل می شود که برابر پاره ای گزارش ها تا ۳۲ درصد یعنی حدود یک سوم بهای نفت نسبت به بهای پایه جهانی تعیین شده است. البته این قیاس تنها از نظر تئوریک و تبلیغات مخالفان حاوی ارزش است؛ ولی در شرایط فعلی از نظر عملی و واقعی فاقد اهمیت برای ایران و مردم میهن ما خواهد بود. زیرا سال ها است که با فشار غیرقانونی آمریکا و اسرائیل، ایران در عمل حق فروش نفت خود را در جهان نداشته بهای پرداخت شده آن در بانک های زیر نفوذ آمریکا مسدود و یا مصادره شده و یا اینکه ایران مجبور است بدون دورنما و امکان محاسبه اقتصادی، بدون اینکه قادر به برنامه ریزی درازمدت برای تدوین اهداف اقتصادی خود باشد، با فروش نفت قاچاق با همین تخفیف ۳۲ درصد و از جمله به چین موافقت کند و این خطر مضاعف را نیز بپذیرد که نفت کش های ایران از جانب ناوگان دریائی آمریکا در آب های بین المللی متوقف شده، نفت اش به نفع آمریکا تخلیه گشته و مصادره گردد. آیا نگرانی ایرانیانی که بر قراردادهای خانثانه «دارسی» و «کنسرسیون نفت» تا روز آخر رژیم گذشته صحنه گذاشتند و تا امروز نیز به نوکری «دنیای آزاد» افتخار می کنند، از بابت این تخفیف رژیم ج. ا. به چین مضحک نیست؟ دل آنها برای آمریکا می سوزد و نه ایران.

ادامه دارد



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۷۷ فروردین ۱۴۰۰

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

حکومت «جو بایدن»، رئیس جمهور دموکرات و جدید آمریکا

برخی انتظار می کشیدند که سیاست ضدچینی و ضدایرانی «دونالد ترامپ»، رئیس جمهور سابق آمریکا، بعد از خروجش از کاخ سفید تغییر کند، زیرا ارتباطات سیاسی، اقتصادی و خانوادگی اش با عربستان سعودی و اسرائیل کاهش می یافت و نفوذ صهیونیسم در دستگاه رهبری آمریکا سیر نزولی پیدا می کرد. ولی روی کار آمدن «جو بایدن» نه تنها ادامه سیاست سابق و تشدید تضادهایش با چین و ایران را به دنبال داشت، حتی آن سیاست تعرضی و تشنج آفرین سابق را افزایش داده و مبارزه با چین و ایران را رسماً در دستور کار خود قرارداد و به این فهرست، مبارزه با روسیه و کره شمالی را نیز افزود. رئیس جمهور جدید آمریکا «رقابت فزاینده با چین» را چالش اصلی برشمرد که ایالت متحده آمریکا با آن روبروست. این نگاه در سند ۲۴ صفحه ای سیاست امنیت ملی دولت «بایدن» به این شکل بازتاب یافت که چین:

«تنها رقیبی است که بطور بالقوه این قابلیت را دارد که با ترکیب نمودن قدرت اقتصادی، دیپلماتیک، نظامی و تکنولوژی خود، یک چالش مستمر را بر سیستم باز، آزاد و با ثبات بین المللی اعمال کند.» «جو بایدن» تصمیم گرفت سیاست تشنج و دمیدن در شیپور جنگ را در همه جا توسعه دهد. وی تلاش کرد و می کند که در این مبارزه اتحادیه اروپا را نیز به جانب خویش بکشد و مبارزه با چین را، که آن را تضاد عمده با آمریکا می داند، با مبارزه علیه روسیه تکمیل کند. تحرکات ضد روسی در اوکراین مورد اعتراض روسیه قرار گرفته است که می تواند به درگیری های خطرناکی در اوکراین منجر شود. «قاتل» خواندن «پوتین»، رئیس جمهور روسیه، در مورد شخصیت سیاسی در قدرت، خارج از عرف بین المللی و تنها تحریک آشکار است، در حالی که «محمد بن اَره قاتل» در عربستان سعودی، متحد آمریکا محسوب می گردد و «بایدن» از نگاه به چهره وی وجدان اش معذب نمی شود. «جو بایدن» با تحرکات ضدچینی جو نژادپرستانه ای در سراسر جهان ادامه در صفحه ۶

جایگاه سوسیال امپریالیسم چین در وضعیت جهان کنونی در کجاست (۱)

در جمهوری توده ای چین، بعد از انقلاب کبیر اکتبر شوروی در سال ۱۹۱۷، بزرگ ترین انقلاب قرن بیستم یعنی انقلاب کبیر اکتبر چین رخ داد که دست استعمارگران غرب با سرسپردگی «چانگ کایچک» را از چین کوتاه کرد. چین قرن ها قربانی ستم و اسارت غرب «بشردوست» بود. خلق ایران به موقع خود به رهبری حزب توده ایران، همواره از انقلاب چین و مبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی آنها دفاع کرد. جمهوری توده ای چین در گذشته یک کشور سوسیالیستی بود، که بعد از روی کار آمدن روزیونیست ها در درون حزب کمونیست چین و پذیرش تئوری ارتجاعی «سه دنیا» در داخل حزب کمونیست چین، نفی دیکتاتوری پرولتاریا و ... از این کشور سوسیالیستی؛ یک کشور سرمایه داری دولتی ساخت که امروز در تکامل خویش به کشوری سوسیال امپریالیستی مانند شوروی فروپاشیده سابق بدل شده است. این کشور، کشوری سوسیال امپریالیستی است و نه فقط سرمایه داری دولتی. به گفته لنین سوسیال-امپریالیست ها در عمل امپریالیستی رفتار می کنند ولی در حرف از سوسیالیسم سخن می رانند. آنها همان نقشی را بعد از روی کار آمدن روزیونیسم در چین به عهده گرفته اند که سوسیال امپریالیسم شوروی بعد از روی کار آمدن روزیونیست های خروشچنی در اتحاد جماهیر شوروی سابق در پیش گرفت. چین یک امپریالیسم نوخاسته است و در حالی که روز به روز به قدرت آن افزوده می شود و در عرصه جهانی برای منافع ملی خویش فعالیت می کند، امروزه نه از نظر قدرت اقتصادی به عنوان دومین قدرت و نه از نظر قدرت و نفوذ سیاسی، نظامی، فرهنگی هرگز به پای آمریکا نمی رسد. همین خیل جاسوسان آمریکائی در ایران، که آگاهانه و مودیانه بر ضد چین با تحریک به راه انداختن تظاهرات؛ ادامه در صفحه ۷

Workers of all Countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 254 May. 2021

شرایط جهانی را چگونه باید ارزیابی کرد؟

امپریالیسم آمریکا امپریالیسمی قدرتمند و قدرتمندترین امپریالیسم جهان چه از نظر نظامی، اقتصادی، سیاسی، دیپلماتیک، فرهنگی و ایدئولوژیک است. این امپریالیسم با قدرت دلارهای بی پشتوانه خویش، که مرتب بی حساب تجدید چاپ می کند، شیره جان مردم جهان را برای انتقال ثروت آنها به آمریکا زالوار می مکد و کنترل ارتباطات مالی، تجاری و ارزی جهان را در قبضه انحصاری خویش گرفته است. این امپریالیسم به عنوان فعال مایه با ابزار فشاری، که در دست دارد، حق حاکمیت ملی و سایر حقوق همه ممالک جهان حتی متحدین خویش را در صورت نیاز تهدید می کند. این امپریالیسم ۸۰۰ پایگاه نظامی برای تجاوز-درست خوانده اید، تجاوز و غارت و نه حفظ صلح و تشنج زدائی - در سراسر جهان ایجاد کرده است. این امپریالیسم به هیچ قرارداد و تعهدی در جهان پایبند نیست و هر جا مصلحت اش اقتضاء کند، به زیر امضاء خود می زند؛ نقض «برجام» یگانه نقض قرارداد رسمی جهانی، که مورد تأیید شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز بود، نیست، ادامه در صفحه ۷

سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رستاردن به باری همه کمونیست های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

دست امپریالیسم و متحدانش از ایران کوتاه باد!